

# جنگ کثیف علیه سوریه

واشنگتن، تغییر رژیم، و مقاومت

تیم اندرسون

مترجم: دکتر خشایار بیانی فر

نشر مضمون

این اثر ترجمه‌ای است از:  
**Der Schmutzige Krieg gegen Syrien**  
*Washington, Regime Change, und Widerstand*  
**Tim Anderson**  
 2016

|                                                                                                                                     |                      |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------|
| 978-600-5800-28-9                                                                                                                   | شابک:                |
| ۴۵۹۴۶۸۵                                                                                                                             | شماره کتابشناسی ملی: |
| جنگ کثیف علیه سوریه: واشنگتن، تغییر رژیم، و مقاومت / تیم اندرسون؛ مترجم خشایار بیانی فر؛ ویراستار علی ابوطالبی. تهران: مضمون، ۱۳۹۵. | عنوان و نام پدیدآور: |
| ۲۸۸ ص.؛ جدول: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.                                                                                                        | مشخصات نشر:          |
| Der schmutzige Krieg gegen Syrien: Washington, Regime Change, und Widerstand, 2016                                                  | مشخصات ظاهری:        |
| کتابنامه: ص. ۲۳۳ - ۲۸۸.                                                                                                             | یادداشت:             |
| سوریه -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱ م. -- Syria -- History -- Civil war, 2011                                                         | موضوعات:             |
| سوریه -- تاریخ -- جنگ داخلی، ۲۰۱۱ م. -- دخالت خارجی Syria -- History -- Civil war, 2011 -- Participation, Foreign                   | موضوع:               |
| ایالات متحده -- روابط خارجی -- Syria -- Foreign relations -- United States                                                          | موضوع:               |
| ایالات متحده -- روابط خارجی -- سوریه United States -- Foreign relations -- Syria                                                    | موضوع:               |
| ۱۳۹۵ ج ۸/۶/۱                                                                                                                        | رده‌بندی دیویی:      |
| آندرزسون، تیم Anderson, Tim                                                                                                         | رده‌بندی کنگره:      |
| بیانی فر، خشایار، ۱۳۲۶ - مترجم فیبا                                                                                                 | سرشناسه:             |
|                                                                                                                                     | شناسه افزوده:        |
|                                                                                                                                     | وضعیت فهرست نویسی:   |

## جنگ کثیف علیه سوریه

تیم اندرسون

مترجم: دکتر خشایار بیانی فر

ویراستار: علی ابوطالبی

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۲۸-۵۸۰۰-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران - خیابان شریعتی - بالاتر از پل سیدخندان - کوچه‌ی لادن - شماره‌ی ۲۷

تلفن: ۲۲۸۶۴۱۵۷ (۲۱) ۹۸+

mazmoon@iran.ir

## فهرست

|          |                                             |
|----------|---------------------------------------------|
| ۷۰.....  | پیشتر: جنگ کثیف علیه سوریه                  |
| ۲۱.....  | سوریه و خاور میانه: واشنگتن                 |
| ۳۳.....  | بمب‌های بشکند: کتاب، انبندار و تبلیغات جنگی |
| ۴۷.....  | درعا ۲۰۱۱: یک شورشی اسلامی دیگر             |
| ۶۱.....  | بشار اسد و رفرم‌های سیاسی                   |
| ۸۹.....  | جهاادگرایان امپراتوری                       |
| ۱۱۳..... | رسانه‌های منصوب‌شده، دیدبان‌های منصوب‌شده   |
| ۱۴۳..... | بررسی مجدد کشتار حوله                       |
| ۱۶۳..... | جمل جنگ‌افزار شیمیایی: وقایع غوطه شرقی      |
| ۱۷۹..... | «اصل مسئولیت حمایت» و نقش دوگانه            |
| ۱۸۱..... | مراقبت‌های بهداشتی و تحریم‌ها               |
| ۱۹۷..... | واشنگتن، تروریسم و داعش؛ مدارک اثبات        |
| ۲۱۳..... | دخالت کشورهای غربی و روح استعمار            |
| ۲۲۳..... | در جهت یک خاورمیانه مستقل                   |

## پیش‌گفتار: جنگ کثیف علیه سوریه

هرچند که در هر جنگی از اطلاعات دروغ و گمراه‌کننده استفاده می‌گردد، حجم اطلاعات دروغ در جنگ کثیف علیه سوریه بیش از آن است که بشر تاکنون تجربه کرده است. روزنامه‌نگار انگلیسی-استرالیایی، فیلیپ تاتلم، نشان داد که تبلیغات جنگی معمولاً الگوی پیشاپیش مایرمن‌کننده خبیث جلوه دادن رهبران جبهه دشمن را در بر می‌گیرد و سپس از این اشاعه روایت‌های راست یا دروغ مشتمل‌کننده، نوبت تبلیغ جلوه دادن مردم مقابل می‌رسد. در سوریه نیز کار بر همین منوال آغاز شد. از يك دكتر چشم‌پزشك مهربان به نام بشار اسد، شیطان زمان ساخته شد و بنا بر گزارش‌های مشابه رسانه‌های غربی، ارتش سوریه داری دیگری انجام نداد جز این‌که چهار سال آزار مردم بی‌گناه غیرنظامی این کشور را به قتل رساند.

این کتاب نتیجه تحقیقات دقیق علمی است ولی درعین حال خطابه‌ای است در مورد حق خلق سوریه که مستقل و آزاد شکل اجتماعی و نظام سیاسی کشور خود را خود انتخاب کند. این موضوع مطابق با قوانین بین‌المللی و اصول حقوق بشر است. نمی‌تواند مخل این نوع از حساسیت‌های غرب باشد، که به این حق ویژه تعرض عادت کرده که هر جا خواست دخالت کند. گاهی مجبوریم برای افشای این دورویی صریح‌تر صحبت کنیم. در سوریه قدرت‌های بزرگ کوشش کردند حضور و دخالت خود را مخفی نگه دارند و برای این کار ارتش‌های نیابتی خود را گسیل داشتند و هم‌زمان دولت و ارتش سوریه را خبیث جلوه دادند و دائماً آن‌ها را به انجام اعمال بزهکارانه متهم کردند تا بعد بتوانند ادعا کنند که می‌خواهند خلق سوریه را از دست این دولت نجات دهند. نسبت به تجاوز به

عراق، در غرب تعداد به مراتب کمتری از مردم علیه جنگ در سوریه دست به اعتراض زدند، زیرا در مورد خصلت واقعی این جنگ گمراه شده بودند.

در سال ۲۰۱۱ اطلاعات من در مورد سوریه و تاریخش بسیار ناچیز بود، با این حال در مورد خشونت‌هایی که در شهر مرزی درعا در جنوب این کشور صورت گرفت، عمیقاً تردید داشتم. می‌دانستم که چنین خشونت‌هایی (تک‌تیراندازی که پلیس و افراد غیرنظامی را هدف قرار می‌دهند و از جنگ‌افزارهای نیمه‌اتوماتیک استفاده می‌کنند) نمی‌تواند ناگهان و به دنبال تنها چندین تظاهرات خیابانی باشد و عمیقاً نسبت به عدم دخالت قدرت‌های بزرگ بدگمان بودم. در سال‌های من همیشه با دروغ‌هایی روبه‌رو بودم که به عنوان بهانه برای آغاز یک جنگ بافته شده بود. در نتیجه تصمیم گرفتم مناقشات سوریه را مورد بررسی قرار دهم. من صدها کتاب و مقاله خواندم، ویدئوهای مختلف نگاه کردم و تا حد امکان با تعداد زیادی از شهروندان سوریه صحبت کردم. مقالات متعددی نوشتم و دوبار در طی این مناقشات به سوریه سفر کردم. این کتاب نتیجه تحقیقات من است.

جنگ کثیف، پدیده نوینی نیست. همان‌طور که کوبا خوزه مارتی پیشاپیش به درستی گفته بود که واشنگتن کوشش خواهد کرد تا در جنگ آزادی‌بخش کوبا علیه اسپانیا دخالت کند او در سال ۱۸۸۹ نوشت:

«آن‌ها برای شروع جنگ آن‌قدر تحریک خواهد کرد تا بهانه‌ای برای تجاوز به دست آورند و بعد با سوءاستفاده از اتوریتته یک میانجی یا ضامن، کشور را در اختیار خویش گیرند... از این خفت‌بارتر و بی‌رحمانه‌تر چیزی در تاریخ خلق‌های آزاد وجود ندارد.»

نه سال بعد در طی سومین جنگ استقلال‌طلبانه، انفجاری در بندر هاوانا کشتی جنگی یواس‌اس مین<sup>۱</sup> را نابود کرد و ۲۵۸ تن از سربازان کشتی را به قتل رساند. این انفجار بهانه‌ای شد که ایالات

متحده امریکا به کوبا حمله کند. جنگ بین اسپانیا و امریکا که بعد از آن در گرفت مردم کوبا را از پیروزی محروم کرد و به امریکا اجازه داد کنترل مستعمرات اسپانیا را به دست گیرد، کشور کوبا را غصب، و قانون اساسی ننگینی را به آن تحمیل کند. هرگز ثابت نشد که اسپانیایی‌ها مسئول انهدام کشتی جنگی امریکایی بودند و بسیاری از مردم کوبا بر این عقیده‌اند که امریکایی‌ها کشتی خود را منفجر کرده بودند. در یادبود این سربازان امروز در هاوانا تندیس وجود دارد که روی آن جمله زیر حک شده:

«به یاد قربانیان مین که قربانی سیری‌ناپذیری امپراتوری برای تسلط بر جزیره کوبا شدند.»

ایالات متحده در قرن‌های بعد ده‌ها تجاوز به کشورهای امریکای لاتین انجام داد و در سال ۱۹۸۱ یک جنگ بسیار کثیف توسط به اصطلاح «مبارزان را آزاد» یا بهتر بگوییم مزدورانی که از طرف سازمان سیا پشتیبانی می‌شدند در هندوراس مستقر بودند، علیه دولت ساندینیستی و خلق نیکاراگوئه به راه انداخت. این مناقشه از نظر اجرا تفاوت زیادی با آنچه در ایران رخ می‌دهد نداشت.

در نیکاراگوئه بیش از سی‌هزار نفر به قتل رسیدند. دیوان بین‌المللی دادگستری، ایالات متحده را مجرم شناخت که حملات تروریستی علیه این کشور کوچک امریکای مرکزی انجام داده و آن را محکوم به پرداخت غرامت به نیکاراگوئه کرد (ICJ, 1986) ولی واشنگتن حکم دادگاه را نادیده گرفت.

با آغاز «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱، قدرت‌های بزرگ از وضعیت سیاسی آشفته بهره گرفته و ابتکار عمل را به دست گرفتند تا مزمنان عربی را تحمیل کنند، به این صورت که کشورهای مستقل باقی‌مانده در منطقه را مورد حمله قرار دهند. ما پس از چندی شاهد ویرانی لیبی بودیم که کشوری کم‌جمعیت با بالاترین سطح زندگی در آفریقا بود. بمباران‌های ناتو و لشکرکشی یگان‌های ویژه در جنگ زمینی به نیروهای القاعده کمک کرد. پایه و اساس تجاوز ناتو به لیبی دروغ‌هایی در مورد کشتارهایی بود که گویا از طرف دولت

رئیس‌جمهور معمر قذافی به اجرا درآمده یا برنامه‌ریزی شده و در پیش بود. این ادعاها سریعاً صدور قطعنامه شورای امنیت را به دنبال داشت که در جهت محافظت از مردم غیرنظامی در حریم هوایی لیبی «منطقه پرواز ممنوع» اعلام شد. امروز می‌دانیم که اعتمادی که ابراز شد، چگونه زیرپا گذاشته شد و قدرت‌های ناتو مأموریت محدودی را که سازمان ملل به آن محول کرده بود، مورد سوءاستفاده قرار دادند تا دولت لیبی را سرنگون کنند (MacKinney 2012).

اول برخلاف آنچه در انتظار عمومی به‌طور گسترده تبلیغ و ترویج شده بود، ابتدا هیچ مدرکی دال بر این‌که قذافی هرگز دست به کشتارهای گسترده یا کشتاری را طراحی کرده یا تهدید به اجرای کشتاری کرده باشد به دست نیامد (Forte 2012). «ژنراله گاریگوس» عضو سازمان عفو بین‌الملل فرانسه اذعان کرد «هیچ سندی» دال بر اثبات ادعاهای سازمان‌ری‌ها قبلاً گفته بود قذافی برای اعمال کشتار «مزدوران سیاه‌پوست» اجیر کرده، وجود ندارد. (Forte 2012)؛ (Edwards 2013). «این فرمان» که عمدتاً به منابع امریکایی استناد می‌کند نکات زیر را مطرح می‌کند:

اولاً سرکوب شورش‌های اولیه در شرق لیبی توسط قذافی «کمتر از آنچه ادعا می‌شد مهلک» بود. «در حقیقت مدارکی وجود داشت که او در «کاربرد خشونت لجام‌گشایی» خویشتن‌داری نشان می‌داد». اسلام‌گرایان از ابتدا مسلح بودند. «ابرار» خمین‌های منابع امریکایی از تقریباً ۱۰۰۰ قربانی ۷ هفته اول قتل‌عام درصد از زنان و کودکان تشکیل می‌شد (Kuperman 2015).

درثانی هنگامی که نیروهای دولتی در آستانه آزادسازی شرق کشور بودند، ناتو دخالت کرد و ادعا نمود که باید از کشتار پیشگیری کرد. بعد از آغاز تجاوز ناتو، نسبت به هزار قربانی قبل، ده‌ها هزار نفر انسان جان خود را از دست دادند. قذافی قسم نخورده بود که در بنغازی انتقام‌جویی کند و «هیچ دلیل و مدرک یا انگیزه‌ای دال بر تأیید این ادعا که او قصد داشته یک کشتار جمعی صورت دهد، وجود نداشت» (Kuperman 2015).

پس از این که خسارت کامل شد ناتو کشور را به دست گروه‌های متخاصم متشکل از اسلام‌گرایان و «لیبرال‌های» غرب گرا سپرد. يك دولت نسبتاً مستقل سرنگون شد و در عوض لیبی ویران شد. چهار سال است که کشور لیبی فاقد يك دولت کارآمد است و خشونت کماکان حکمفرماست و این حمله تجاوزکارانه به لیبی بی مجازات ماند.

دو روز قبل از این که ناتو لیبی را بمباران کند، يك شورش مسلحانه بگر اسلام‌گرایان در درعا یعنی جنوبی‌ترین شهر سوریه آغاز شد. ولی از آنجا که این شورش در رابطه با تظاهرات برای رفرم‌های سیاسی مطرح می‌شد، خصلت واقعی آن کتمان گردید. بسیاری از مردم متوجه نشاندند که همان نیروهایی که جنگ‌افزار در اختیار شورشیان قرار می‌دادند، یعنی قطر و عربستان سعودی، همزمان با آن از طریق شبکه‌های «برای خود مثل الجزیره یا العربیه داستان‌های جعلی خود را پخش و تبلیغ می‌کردند. دلایل دیگری نیز برای استمرار افسانه پردازی‌های این جنگ وجود داشت. به نظر می‌رسید که بسیاری از ناظران غربی، لیبرال یا چپ مثل نیروهای محافظه‌کار از نقش خود به عنوان منجی يك خلق شیعه‌نژاد و خشنود باشند. آن‌ها در مورد کشوری که به سختی قادر به ترك آن بودند، نظرهای بسیار روشنی مطرح می‌نمودند و با وجود عدم درک از این کشور خود را هوادار «مبارزه برحق» علیه این «دیکتاتور» نوین می‌پنداشتند. با اتکال به اعتماد به نفس و تصویری غرورآمیز از خود، افکار عمده می‌غرب به راحتی دروغ‌های بافته شده در مورد جنگ‌های گذشته و همچنین میراث استعماری خود را فراموش کرد.

من حتی می‌خواهم ادعا کنم که فرهنگ غرب به‌طور کلی در جنگ کثیف علیه سوریه سنن حسنه خود، یعنی حاکمیت خرد، برقرار نگه داشتن اصول اخلاقی، و سعی در دستیابی به مدارك و اسناد مستقل در دوران درگیری و مناقشه را به کنار گذاشت و به جای آن به بدترین سنن خود، یعنی «حق ویژه امپراتوری» که توسط پیش‌دادوری عمیق نژادپرستانه و همچنین در نظر گرفتن مسکینانه تاریخ فرهنگ خود تقویت می‌شد، پناه برد.

این کمبودها بر اثر سازوکار بی‌رحمانه تبلیغات جنگی تشدید شد. پس از این که خبیث جلوه دادن رهبر سوریه، بشار اسد آغاز شد، نشر اطلاعات واقعی در مورد هرچیز که می‌توانست توصیف رسمی روند جنگ را با تردید مواجه کند، مسکوت گذاشته شد. پس از سال ۲۰۱۱ دیگر چندان نظریه‌های مختلف در مورد سوریه وجود نداشت، زیرا عقاید انتقادی عملاً مطرود شناخته می‌شد.

متأثر از این شرایط من به نوشتن کتاب خود پرداختم. این کتاب در دفاع از سوریه نگاشته شده و در وهله اول خطاب به محافلی نیست که به‌طور مطلق در افسانه‌پردازی‌های غربی ذوب شده‌اند، بلکه خطاب به کسانی است که با این موهومات مبارزه می‌کنند. لذا این کتاب یک منبع اطلاعاتی است که سهم خود را برای روشن کردن تار و پود درگیری‌ها در سوریه ادا می‌کند. داستان‌های غربی از حد و مرز گذشته است و تصور می‌کنم برخورد تفاهم با آن‌ها فقط اتلاف وقت خواهد بود. فکر می‌کنم بهترین کار این است که از وقایع جاری همان‌طور که هست صحبت کنیم و مانورهای گمراه‌کننده را بعداً مورد بررسی قرار دهیم. من به هیچ وجه افسانه‌پردازی‌های غربی را مورد اغماض قرار نمی‌دهم؛ برعکس، این کتاب جنگی از آن‌ها را در بر می‌گیرد. ولی ایده اصلی پرداختن به اهمیت جنگ است.

اسطوره‌های غربی برپایه ایده حقوق بشر و راتوری بنا گردیده است. این اسطوره‌ها می‌پرسند: وقتی مسئله محلات يك خلق دیگر است، «ما» باید چه کنیم. این برخوردی است که نه برپایه قوانین بین‌الملل استوار است و نه حقوق بشر. گام‌های بعدی در رتبه‌بندی رتبه‌بندی نشان دادن يك سلسله از دلایل صوری، خصلت و وقایع جنگی است. اولین ادعا در مورد سوریه این بود که کشورهای عضو ناتو و امیرنشینان خلیج فارس از انقلاب سکولار و دموکراتیک در سوریه پشتیبانی می‌کنند. بعد که معلوم شد این شعار را کسی باور نمی‌کند يك داستان دیگر سرهم شد به این صورت که آن‌ها باید اکثریت مسلمانان سنی را که زیر ستم رژیم فرقه‌گرای علوی در رنج و محنت‌اند، نجات دهند. بعد از این که جنایات فرقه‌گرایانه نیروهای ضد دولتی بازتاب بیشتری در

افکار عمومی ایجاد کرد آن‌ها دست‌به‌دامن این بهانه شدند که مسئله بر سر يك «جنگ در سایه» است و «شورشیان معتدل» گویا علیه گروه‌های افراطی می‌جنگند و لذا لازم است که کشورهای غربی دخالت کنند و به کمک این «شورشیان معتدل» بشتابند و آن‌ها را در مقابل گروه‌های «جدید افراطی»، که به نحوی غریب و مرموز پدیدار شده و اکنون به تهدیدی برای بشریت مبدل شده بودند، تقویت کنند.

این يك روایت دست‌دوم بود و هالیوود بدون شك سال‌ها برپایه این فیلم‌نامه، فیلم‌ها تولید خواهد کرد. ولی کتاب حاضر به روایت دست‌اول استناد می‌دهد. ارتش‌های نیابتی اسلام‌گرایان که از طرف هم‌پیمانان منطقه، ایالات متحده (عمدتاً عربستان سعودی، قطر و ترکیه) مسلح شدند، در جنبش سیاسی رفرم طلب نفوذ کردند و به روی پلیس و مردم غیرنظامی آتش گشودند. آن‌ها دولت سوریه را مسئول اعلام کردند و شرعی را سازمان دادند و اینك کوشش می‌کنند دولت سوریه و در نتیجه تمام سکولار و پلورالیستی این کشور را سرنگون کنند. هدف آن‌ها پیروی از نیات رسمی ایالات متحده در مورد ایجاد «خاور میانه بزرگ» است که در آن هر کشوری در منطقه باید از طریق رفرم، خلق يك جناح یا کودتای مستقیم مرعوب گردد. پس از افغانستان، عراق و لیبی، اکنون نوبت سوریه بود. در سوریه ارتش‌های نیابتی را به سوی متحد اخوان المسلمین و متعصبان وهابی عربستان سعودی تشکیلات می‌دهند. با وجود مبارزه بر سر قدرت بین این نیروها و حامیان مالی آن‌ها که به‌طور موقت پیش می‌آید، همه آن‌ها از جهان‌بینی سلفی پیروی می‌کنند. آن‌ها مخالف رژیم‌های سکولار یا ملی هستند و هدفشان استقرار يك کشور مذهبی است.

اما اسلام‌گرایان و اشنگتنی با يك ارتش منضبط سوری روبه‌رو شدند که با وجود تحریکات زیاد، به علت تفاوت‌های مذهبی از هم نگسیخت. علاوه بر آن دولت سوریه از پشتیبانی متفقین پر قدرتی چون روسیه و ایران برخوردار بود. سوریه عکس‌برگردان لیبی نشد. در این

جنگ طولانی، از دید غرب خشونت از طرف ارتش سوریه اعمال می‌شود که به مردم غیرنظامی حمله می‌کند و آنها را به قتل می‌رساند. اما برعکس مردم سوریه شاهد حملات تروریست‌ها به شهرها و مراکز شهرها، مدارس، بیمارستان‌ها و بعد از آن حمله به ارتش بودند. تروریست‌های خارجی که در یک سلسله از شهرهای عربستان سعودی و قطر نام‌نویسی کرده بودند برای کمک به مزدوران محلی اعزام شدند.

حتی با این که گروه‌های تروریستی که اغلب در خارج از سوریه سازماندهی شده، «معارض» یا «گروه‌های سنی» نامیده می‌شوند، نیروی اپوزیسیون در داخل کشور در آغاز سال ۲۰۱۱ حساب خود را از گروه‌های اسلام‌گرا جدا کرد. اعتراضات به برکت اعمال خشونت از خیابان رحمت به بخش عمده اپوزیسیون (به جز اخوان المسلمین و محافل سیاسی در دمشق) اگر نه به پشتیبانی حزب حاکم بعث، دست کم به سوی دولت و ارتش گروید. ارتش سوریه با خشونت علیه تروریست‌ها به مبارزه پرداخت اما برخلاف تبلیغات غربی از مردم غیرنظامی محافظت کرد. اسلام‌گرایان در همه سطوح خشونت به خرج دادند، آن‌هم به‌طور علنی. میلیه‌ها تیر فراری در داخل کشور دست به دامن دولت و ارتش شدند و برخی دیگر از کشور مهاجرت کردند.

قدرت‌های بزرگ کوشش کردند تا در «جاری بهایی» از دولت سوریه سلب قدرت کنند و اگر این تیر به هدف خود نرسد دولت بی‌کفایت بر سریر قدرت نشاند یا کشور را تکه تکه کرده به کشورهای کوچک فرقه‌گرا تقسیم کنند و از این طریق محور حزب الله در جنوب لبنان و جنبش مقاومت فلسطین در کنار سوریه و ایران، یعنی کشورهایی که عاری از پایگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا است. عراق که هنوز ضربه روحی ناشی از تجاوز کشورهای غربی، کشتار و اشغال را به‌طور کامل هضم نکرده در تلاش است که به این محور پیوندد. همین‌طور روسیه کوشش می‌کند تا به‌عنوان وزنه

مقابل نقش مهمی ایفا کند. تاریخ معاصر و رفتار کشور نشان می‌دهد که نه روسیه و نه ایران مثل واشنگتن و هم‌پیمانانش که برخی از آن‌ها (بریتانیای کبیر، فرانسه و ترکیه) جنگ سالاران استعماری گذشته هستند، رویای استقرار امپراتوری در سر نمی‌پرورانند. از دیدگاه «محور مقاومت» پیروزی در این جنگ کثیف علیه سوریه به این معنی خواهد بود که منطقه می‌تواند علیه قدرت‌های بزرگ متحد شود. مقاومت در قیامت آمیز سوریه ناقوس به پایان رسیدن پروژه آمریکایی «خاورمیانه بزرگ» را به صدا درخواهد آورد.

در دل این يك چشم‌انداز بزرگ است. این کتاب کوشش خواهد کرد داستان واقعی را به‌طور مستند ارائه کند و روایات جعلی را افشا نماید. این کار با نگاه سنن حسنه غرب صورت خواهد گرفت: به کمک استفاده از محدود رعایت اصول اخلاقی، و سعی در جست‌وجوی مدارك و شواهد مستقل در دوش درگیری و مناقشه. امیدوارم که این کتاب منبع قابل استفاده‌ای باشد. اینك خلاصه‌ای از فصل‌های مختلف کتاب:

**فصل ۱، سوریه و خاورمیانه بزرگ،** واشنگتن، سوریه را در رابطه با طرح‌های واشنگتن برای يك خاورمیانه بزرگ قرار می‌دهد. سوریه فصل جدیدی را در تاریخ طولانی کوشش‌های آمریکا برای اعمال سلطه در منطقه باز می‌کند.

**فصل ۲، بمب‌های بشکه‌ای،** منابع جانبدار و تبلیغات جنگی، به بحث در مورد معضل گزارش‌دهی و تعبیر بحران سوریه می‌پردازد. رسانه‌ها خیلی زیاد به منابع يك‌جانبه اتکا دارند؛ آن‌ها تنها به يك چهره از جنگ می‌پردازند و ارتش سوریه را متهم می‌کنند. این منابع اصلی درك مواضع متضاد در موارد زیر است: جنگ‌افزارهای شیمیایی، کشتار مردم غیرنظامی یا ابعاد پشتیبانی یا مخالفت مردم با رئیس‌جمهور اسد.

**فصل ۳، درعا ۲۰۱۱:** يك شورش اسلامی دیگر. این فصل برپایه يك سلسله از منابع موجود شورش اسلام‌گرایان در درعا را که در ماه مارس ۲۰۱۱ با کمک عربستان سعودی رخ داد مورد بررسی قرار

می‌دهد. این حملات مسلحانه به‌روشنی از تظاهرات برای رفرم‌های سیاسی، که اسلام‌گرایان آن را از خیابان‌ها تبعید کردند، قابل تمییز بود.

**فصل ۴، بشار اسد و رفرم‌های سیاسی، جنبش رفرم سیاسی را از زمانی که اسد در سال ۲۰۰۰ به ریاست‌جمهوری رسید تا آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار می‌دهد.** این اطلاعات نشان می‌دهد که اغلب گروه‌های اپوزیسیون خواستار رفرم در درون مجموعه کشور سوریه بودند و عملاً حمله به دولت سوریه را رد می‌کردند. سپس این حمل نقش اسد به‌عنوان مجری رفرم‌ها و علل محبوبیت او را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**فصل ۵، جهادگرایان امپراتوری، همکاری میان اسلام سیاسی سلفی و نیروهای امپراتوری در خاورمیانه را بررسی می‌کند.** برخلاف جریان‌های اسلامی تندپریالیستی در ایران یا لبنان، اسلام سیاسی سلفی مبدل به یک نیروی فقه‌گرا شده که با ناسیونالیسم عربی، از مصر و فلسطین گرفته تا سوریه، رقابت می‌کند و از مدت‌ها پیش برپایه روابط نزدیک با قدرت‌های بزرگ بنا گردیده است. این تاریخ، پیش‌زمینه مهمی برای درک حاکمیت «انقلاب» اسلامی سوریه و شعارهای مختلف آن به‌شمار می‌آید.

**فصل ۶، رسانه‌های منصوب‌شده، دیدگاه‌های منصوب‌شده شگردهای مختلف تبلیغات رسانه‌ها و شبکه‌های دروغ‌های «حقوق بشری» مانند دیده‌بان حقوق بشر، Avaaz و نظایر این‌ها را، که به‌عنوان بلندگوی «اعتدال‌گرایان» در خدمت طرح‌های واشنگتن عمل می‌کنند، مشخص می‌کند.** بسیاری از آن‌ها به مدافعان پرشور «جنگ بشردوستانه» مبدل شدند. گروه جدیدی از سازمان‌های غیردولتی مثل «کمپین سوریه» و «کلاه‌سفیدها» توسط سازمان‌های خدماتی وال‌استریت و ویژه جنگ کثیف در سوریه ایجاد شد. جنگی از جعل اسناد و تقلب‌های آنان در این بخش به نمایش گذاشته می‌شود.

**فصل ۷، بررسی مجدد کشتار حوله، تمام جزئیات، دلایل و اسناد**

اولین کشتار بزرگ را مطرح می‌نماید که (به‌علت موفقیت این ترفند در لیبی) با این هدف صورت گرفت تا شورای امنیت سازمان ملل متحد را برای يك حمله نظامی بسیج کند. درحالی‌که اولین گروه بازرسی سازمان ملل متحد که در درون سوریه فعالیت داشت، مدارك متضادی در رابطه با این کشتار پیدا کرده بود، يك کمیسیون تحقیقاتی دیگر سازمان ملل متحد که خارج از سوریه فعالیت می‌کرد و يك دیپلمات امریکایی معاونت ریاست آن را به عهده داشت، دولت سوریه با مسئول اعلام نمود. البته شاهدان عینی بسیاری اسلام‌گرایان ارتش آن سوریه را متهم کردند که مردم هوادار دولت در دهکده را به قتل رسانده و منصفه. زیر سلطه خود قرار داده و ماه‌ها آن را اشغال نموده بودند. چندین «پرچم دروغین» دیگر نیز در این کشتار معرفی می‌شود.

**فصل ۸، جعل جنه‌ها از شیمیایی؛ وقایع غوطه شرقی دومین پرچم دروغین بزرگ را به بررسی می‌پردازیم. ج. ثبات مورد تحقیق قرار می‌دهد که اهمیت بین‌المللی پیدا کرد این واقعه در اوت ۲۰۱۳ رخ داد و نزدیک بود باعث حادثه‌ها و اوضاع بسیار ناخوشگوار در ایالات متحده به سوریه شود. این واقعه مورد استفاده قرار گرفت تا دولت سوریه را متهم به قتل صدها نفر از افراد غیرنظامی از جمله کودکان خردسال با جنگ‌افزارهای شیمیایی نماید. در طی مدت نسبتاً کمی تعداد نسبتاً زیادی از منابع مستقل این اتهامات (از جمله مدارك امریکای شمالی) را رد کرد. با این حال مخالفان سوریه تا به امروز این اتهامات را تکرار می‌کنند، گویی این امر به اثبات رسیده است.**

**فصل ۹، «اصل مسئولیت حمایت» و نقش دوگانه دکترین نسبت به نوینی را مورد بررسی قرار می‌دهد که ادامه تکامل یافته «دخالت بشردوستانه» است، که ارائه شد تا جعبه‌ابزار امپریالیسم را غنی‌تر کند. کاربرست این دکترین در لیبی، این کشور کم‌جمعیت، عواقب بسیار سهمناکی داشت. خوشبختانه کوشش برای کاربرست آن در مورد سوریه با شکست روبه‌رو شد.**

**فصل ۱۰، مراقبت‌های بهداشتی و تحریم‌ها. این فصل آشکار**

می‌کند که چگونه ناتو حملات اسلام‌گرایان به نظام بهداشتی سوریه را مورد پشتیبانی قرار می‌داد و تأثیر متقابل پیامد تحریم‌های اقتصادی کشورهای غربی چگونه بود. هردوی این وقایع لطامت شدیدی به نظام بهداشتی سوریه وارد آورد. این نوع حملات را انگیزه اصلی برای جلب پشتیبانی مردم در محل مطرح کردن، مطلقاً بساوورنکردنی است. در نتیجه می‌توانیم آن را بخشی از سیاست کاربردی کلی تعبیر کنیم که در جهت تضعیف دولت سوریه و آسیب‌پذیر کردن آن برای حمله از خارج صورت می‌گیرد.

**فصل ۱۱، واشنگتن، تروریسم و داعش؛ مدارك اثبات.** این فصل روابط بین تحریرات بزرگ و جدیدترین گروه‌های تروریستی درجه‌یاد را که مدعی مبارزه با آن‌اند آشکار می‌کند. تنها مدارك و اسناد می‌تواند در این آگاهانه در مورد این وضعیت بحث‌انگیز به وجود آورد ولی نه راه. موجود خردکننده است. تفاوت‌های ایدئولوژیکی بین گروه‌های سلفی و اسلام‌گرای مختلف اندك است و واشنگتن و کشورهای هم‌پیمان آن به همه آن‌ها به يك اندازه كمك مالی می‌رسانند و آن‌ها را مسلح می‌نمایند.

**فصل ۱۲، دخالت کشورهای غربی و دوح استعمار نگرش ذهنی فرهنگ غربی را مورد بحث قرار می‌دهد که بر مبنای نقض دائمی حقوق خلق‌های دیگر بنا شده است.**

**فصل ۱۳، به سوی يك خاورمیانه مستقل.** در این بخش بازی نهایی در بحران سوریه و تبعاتش برای منطقه خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با تحمل مخارج زیاد، جمهوری عربی سیریه، ارتش و خلق آن، تاکنون در مقابل تجاوزهای دشمنان پر قدرت متعددی ایستادگی کرده‌اند. بقای سوریه نتیجه قدرت مقاومت و وحدت آن و همچنین پشتیبانی هم‌پیمانان پر قدرت آن است. حضور نیروی هوایی روسیه در اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ نقش مهمی ایفا کرد. به همین صورت شرکت هماهنگ نیروهای زمینی از عراق، ایران و لبنان که از استقلال سوریه دفاع کردند نیز مهم بود.

اگر حملات به سوریه کاهش یابد، به نظر می‌رسد که خاورمیانه با

عزم سیاسی جزم‌تر و ارتشی آماده‌تر در کنار محور گسترده‌تر مقاومت آماده تحول خواهد بود. این عزم، ناقوس پایان حمام خون پانزده‌ساله‌ای را که واشنگتن برای «تغییر رژیم» در کل منطقه به‌راه انداخته، به صدا درخواهد آورد.